

خاتم انبیاء از خاتم اوصیاء سخن می گوید



سید جواد حسینی



رانده‌اند. حتی ادیان ابتدایی و ساخته دست بشری نیز به نوعی درباره موعود جهان سخنانی را مطرح نموده‌اند؛ اسنها، اسلاوها، سلتها، ژرمنها، اهالی صربستان در انتظار ظهور موعودهایی به نامهای: آرتور، اودین، کالویبرک، مارکوکریلیویچ، برخص، بوریان، بورویهم بوده و معتقدند که موعودهایشان روزی ظهور کرده، به خیانتها، نابسامانیها و جنایتهای جهان خاتمه داده، عدالت را در عالم گسترش خواهند داد.^۱

در بین انبیاء، از ظهور و قیام هیچ پیامبری بسان پیامبر آخرالزمان حضرت ختمی مرتبت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سخن به میان نرفته است. از حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام گرفته تا نوح و ابراهیم و موسی و عیسی عَلَيْهِمُ السَّلَام همه بشارت به آمدن او داده‌اند و همگی از دین و مرام و اوصاف و کمالات او سخن گفته‌اند.

در میان اوصیاء عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز هیچ وصی‌ای بسان خاتم اوصیاء مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام در بیان و کلام انبیا و پیامبران گذشته و ائمه بعد از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مطرح نبوده است و همه از قیام و ظهور و عدالت او سخن

۱. او خواهد آمد، ص ۵۸-۷۳.

تورات ماشع و در انجیل مسیح الزمان خوانده شده است.^۵

در کتیب مقدس زرتشتیان می‌خوانیم: «سوشیانت (نجات دهنده) دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمنان نجات داده، مردم جهان را هم‌فکر و هم‌گفتار و هم‌کردار سازد.»^۶

و در کتاب زبور به حضرت داوود منسوب است که فرمود: «قومها را به انصاف داوری خواهد کرد، آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد، دریا غرش نماید، صحرا و هر چه در آن است، به وجد آید. آنگاه تمام درختان ترنم خواهند نمود به حضور خداوند؛ زیرا که [او] می‌آید...»^۷

در تورات، کتاب مقدس یهودیان،

در کتیب مقدس هندوها می‌خوانیم: «دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخر الزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد، حق و راستی با او باشد.»^۱

و برهمنایان می‌گویند: «ویشنو در میان مردم ظاهر گردد... او از همه کس قوی‌تر و نیرومندتر است... هنگام ظهور وی خورشید و ماه تاریک می‌شوند. زمین خواهد لرزید.»^۲

چینیان درباره منجی جهان چنین می‌گویند: «کریشنا ظهور کرده، جهان را نجات می‌دهد.»^۳

و از دیدگاه مسلک جینها: «هنگامی که فساد و انحطاط و تباهی جهان را فراگیرد، شخص کاملی که آن را تیرتنگره (= نوید دهنده) گویند ظهور کرده، تباهی را از بین می‌برد و صافی را از نو برقرار می‌سازد.»^۴

در کتب آسمانی تحریف شده انبیای گذشته، بیشتر از موعود جهانی سخن به میان آمده است که در دین مجوس به نام بهرام ایستاده (قائم) و نجات دهنده، در زبور به نام عقیق و در صحف ابراهیم به نام حاشر و در

۱. شاپوهرگان، ترجمه مولر به نقل از سخنان مهدی، ص ۵.

۲. ریگ ودا ماندالای، ص ۱۶ و ۲۴.

۳. اوبانیساد، ص ۶۴۷.

۴. همان، ص ۵۴.

۵. شیخ محمود عراقی، دارالسلام، ص ۴۷؛ ر.ک: تذکره الانمه، علامه مجلسی.

۶. جاماسب نامه، ص ۱۴۱.

۷. زبور، مزامیر، مزموور ۹۶، جمله‌های ۱۰-۱۳.

همه جا به یاد فرزند و خاتم اوصیای خود حضرت مهدی علیه السلام بود و از همان اوایل بعثت بانگ برمی آورد و مردم را به یاد مهدی رهنمون می ساخت و به روزگاری سراسر نور نوید می داد و می فرمود: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَلِيَّ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ»^۱؛ دنیا به پایان نرسد مگر اینکه امت مرا مردی از اهل بیت من سرپرستی (و رهبری) کند که به او مهدی گفته می شود.

و در جایی دیگر می فرمود: «لَوْ لَمْ يَنْبِقِ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمَ تَبَعَتْهُ أَهْلِي بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَذَابًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا»^۲؛ اگر از عمر روزگار یک روز باقی نماند، خداوند [در آن روز] مردی از اهل بیت من را برانگیزد که عرصه زمین را لبریز از عدل کند، پس از آنکه از ستم پر شده باشد.

و آنگاه که حضرتش به معراج رفت، سفر آسمانی اش نیز با یاد و نام

چنین آمده است: «مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد، گرگ با بره سکونت خواهد کرد، پلنگ با بزغاله خواهد خوابید... و در تمامی کوره مقدس من ضرر و فسادی نخواهد کرد؛ زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد.»^۱

و در انجیل متی می خوانیم: «شما نیز حاضر باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نبرید، پسر انسان می آید.» و «همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد بود.»^۲

گفتنی است که در کلام هیچ یک از پیامبران گذشته بسان پیغمبر آخر الزمان، سخن از مهدی موعود و منجی بشر نرفته و تصویر جامع و کاملی از قیام، عدالت، حکومت و اوصاف شخصی آن حضرت ارائه نشده است. آنچه در پیش رو دارید نگاهی است گذرا، به کلمات و سخنان خاتم پیامبران علیهم السلام درباره خاتم اوصیا، حضرت مهدی موعود علیه السلام.

همه جا به یاد مهدی علیه السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در همه حال و

۱. تورات، کتاب اشعای نبی، فصل ۱۱، جمله های ۱۰ و ۴.

۲. قاموس مقدس، ص ۲۱۹، ماده «پسر خواهر».

۳. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۲۴۶.

۴. سنن ابوداود، ج ۴، ص ۱۰۷.

آشکار شد. در حدیث آمده است که از فاطمه زهرا علیها السلام سؤال شد: آن سخنی که پیامبر آهسته به تو گفت چه بود که موجب خرسندی تو گردید؟ حضرت فرمود: آنچه پدرم به من فرمود: [دو مطلب بود]: ۱. از میان اهل بیتم تو اولین کسی هستی که به من ملحق می‌شوی؛ ۲. دوازده امام که جانشینان من هستند، از نسل توست و آخرین آنها [مهدی موعود] انتقام تو را می‌ستانند.^۲

مشخصات فردی مهدی علیه السلام

۱. همانندی با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سالها قبل از تولد حضرت مهدی علیه السلام مشخصات فردی او را بیان نمود. آنجا که فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وَوَلَدِي اِسْمُهُ اِسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي اَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَخُلُقًا تَكُونُ لَهُ غَنِيْبَةٌ وَخَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْاُمَمُ ثُمَّ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ السَّاقِبِ،

۱. حسین نوری طبرسی، نجم الثاقب، ص ۱۴۲؛ ترجمه همان، ج ۱، ص ۳۸۳؛ ر.ک: بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۲۳؛ ابن ابی زینب نعمانی، مکتبه الصدوق، ص ۹۳، ح ۲۴.

۲. ترجمه ارشاد مفید، ج ۱، ص ۱۷۶ - ۱۷۷؛ منتهی الآمال، ج ۱، ص ۷۸؛ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۷۰.

مهدی علیه السلام شیرین و زیننده شده و خدا به او فهماند که حتی در اوج معراج و مرحله «قَابِ قَوْسَيْنِ اَوْ اُدْنَى» نیز باید سخن از خاتم اوصیا باشد. هنگامی که حق تعالی انوار اوصیای او را به او نشان می‌دهد، مهدی را می‌بیند که «كَانَتْ كَوَكْبٍ دُرِّيٍّ فِي وَسْطِهِمْ؛ همچون ستاره‌ای درخشان در میان ائمه دیگر می‌درخشد.» و این گونه به حبیب خدا خطاب می‌شود که نه تنها همیشه به یاد او باش؛ بلکه به او عشق بورز؛ «یا مُحَمَّدًا! اَحِبَّنِي فَاَنْتَى اُحِبُّهُ وَاُحِبُّ مَنْ يَحِبُّهُ؛ ای محمد! او را دوست بدار که من او را دوست می‌دارم و هر کس که او را دوست بدارد، من [نیز] او را دوست می‌دارم.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین لحظات عمر خویش نیز به یاد فرزندش مهدی علیه السلام بود. آن زمان که دخترش فاطمه علیها السلام به شدت گریه می‌کرد، حضرت در حالی که رو به قبله و نزدیک به حالت احتضار بود به دخترش اشاره کرد که نزدیک بیا! زهرا علیها السلام نزدیک رفت، پیامبر آهسته به او سخنی گفت که شادمانی در چهره او

چنین ادعایی را مطرح نکند.

۲. فرزند علی علیه السلام و زهرا علیها السلام

حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای شبیه‌زدایی بیشتر بیان نمود که مهدی علیه السلام از نسل علی علیه السلام و زهرا علیها السلام می‌باشد؛ آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام إِمَامٌ أُمَّتِي... وَمِنْ وَوَلَدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ...»^۴ بیه راستی علی فرزند ابوطالب، امام امت من است... و از فرزندان او قائم منتظر است...»

و یا فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وَوَلَدِ فَاطِمَةَ»^۵ مهدی، از فرزند فاطمه است.»

هنگامی که جناب سلمان از امام علی علیه السلام پرسید: مهدی از نسل کدام فرزندان شماست، فرمود: «مِنْ وَوَلَدِي هَذَا وَوَصْرَتِ يَدِهِ عَلَيَّ الْحَسَنِ»^۶ از این فرزندانم و با دست مبارکش بر حسین زد.»

مردی یهودی به نام نعثل از پیامبر

يُنَاكُلُهُمَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا؛^۱ مهدی، از فرزندان من است. نامش، نام من است، کنیه‌اش کنیه من [ابوالقاسم]. او شبیه‌ترین مردم به من در خلق و خوی است. برای او غیبت و حیرتی است که امتها در آن به گمراهی افتند، پس از آن، بسان شهاب فروزان بیاید و زمین را از عدل و داد پر کند پس از آنکه از جور و ظلم لبریز شده باشد.»

و در جای دیگر فرمود: «يَأْتِي وَأُمَّتِي سَمِيًّا وَشَبِيهًا وَشَبِيهَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ... النَّوْرِ»^۲ پدر و مادرم فدایش باد که او همان من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است که بر او نورهایی احاطه دارد.»

و همچنین فرمود: «الْمَهْدِيُّ أُمَّتِي أَشْبَهَ النَّاسِ بِي فِي شِمَائِلِهِ وَأَقْوَالِهِ وَأَفْعَالِهِ»^۳ مهدی امت من، شبیه‌ترین مردم نسبت به من در شمایل و سخن و رفتار است.»

شاید از جمله دلایل این همه پافشاری بر همگونی حضرت مهدی علیه السلام با حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله این باشد که جلوی مدعیان کاذب مهدویت گرفته شود و هر کسی

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶؛ فرائد السمطين،

ج ۲، ص ۳۳۵.

۲. کفایة الاثر، ص ۱۵۶.

۳. اکمال الدین، ص ۲۵۷.

۴. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۸؛ فرائد السمطين،

ج ۲، ص ۳۳۵-۳۳۶.

۵. سنن ابن ماجه، ج ۳، ص ۲۴.

۶. ذخائر العقبی، ص ۱۳۶-۱۳۷؛ فرائد

السمطين، ج ۲، ص ۳۲۶.

مهدی امت من، شبیبه ترین مردم نسبت به من در شمایل و سخن و رفتار است.

اکرم علیهم السلام پرسید: وصی تو کیست؟... فرمود وصی من و خلیفه من پس از من، علی علیه السلام و پس از او، دو نوهام حسن و حسین و پس از حسین، نه تن از نسل حسین، امامانی نیک باشند. نعتل عرض کرد: نام آنان را برای من بازگو کن. حضرت در پاسخ فرمود: چون حسین درگذرد، فرزندش علی، و پس از او فرزندش محمد، و پس از محمد فرزندش جعفر و پس از او فرزندش موسی و پس از موسی فرزندش علی، و پس از علی فرزندش محمد و پس از محمد فرزندش علی و پس از او فرزندش حسن خواهد بود. آن حضرت علیهم السلام در ادامه افزود: «فَإِذَا مَضَى الْحَسَنُ قَبْعَهُ ابْنَةُ الْحِجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ فَهَذِهِ إِثْنَا عَشَرَ إِمَامًا عَلِيٌّ عَدَدُ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ؛^۱ و پس از حسن، فرزندش حجة بن الحسن بن علی علیه السلام باشد. پس

اینان دوازده امام اند به عدد بزرگان بنی اسرائیل.»

غیبت طولانی و ظهور حتمی

مسئله دیگری که در کلام حضرت ختمی مرتبت علیهم السلام بیان شده، غیبت طولانی و حیرت آور آن حضرت است. چنان که گذشت: «...تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَخَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ ثُمَّ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّقِيبِ؛^۲ او را غیبت و حیرتی باشد که امتهای در آن به گمراهی افتند. پس از آن بسان شهابی فروزان بیاید.»

همچنین غیبت طولانی آن امام همام علیه السلام را سری از اسرار الهی دانسته و می فرماید: «يَا جَابِرُ! إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ مَطْوِيُّ عَنِ عِبَادِ اللَّهِ...»^۳ ای جابر! همانا این امر، امری است از امر خداوند و سری است از سر الهی که بر بندگان او پوشیده است.»

و گاه این موضوع را امتحانی برای

۱. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۳۳؛ كفاية الاثر، ص ۱۳-۱۴.

۲. كمال الدين، ج ۱، ص ۲۸۶.

۳. كمال الدين، ج ۱، ص ۲۸۷؛ منتخب الاثر، ص ۱۸۸؛ ينابيع الموده، ص ۴۹۴.

یاران امام به مولای خود عشق می‌ورزند و چون بندهای گوش به فرمان از حضرت پیروی می‌کنند و در انجام دستورهای وی، بر یکدیگر پیشی می‌گیرند

گوشزد می‌کند و می‌فرماید: «أَفْضَلُ
أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛^۴
برترین کارهای امت من، انتظار فرج از
خدای عزوجل است.» و در روایات دیگر،
پاداش شهادت در راه خدا همراه آن
حضرت، و یا ثواب درک دوران ظهور برای
منتظران راستین وعده داده شده است.^۵

اوصاف منتظران راستین

پیامبر اکرم ﷺ در این باره فرمود:

۱. منتخب الاثر، ص ۱۸۸؛ بنایع المودة، ص ۴۹؛
کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷.
۲. کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص ۴۶، ح ۳۰.
۳. ر.ک: سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷؛ فراند
السمطین، ج ۲، ص ۳۱۲.
۴. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۴۴، ح ۳.
۵. غیبت نعمانی، ج ۱، ص ۲۰۰، ح ۱۶.

مؤمنان دانسته و بیان می‌دارد که برای
قائم غیبتی است؛ «لَيَمَّحُضَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا
وَيَمْنَحَقَّ الْكَافِرِينَ؛^۱ هر آینه کسانی که
ایمان آورده‌اند را پاکیزه می‌سازد و
کافران را نابود می‌کند.»

به دنبال این غیبت طولانی، ظهور
حتمی است؛ غیبت و ظهوری که رمز و
راز بقای تشیع و نشانه حیات و زندگی
آن است. خاتم انبیاء ﷺ این امر را نیز
با قاطعیت تمام بیان نموده و
می‌فرماید: «لَوْ لَمْ يَبْقِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ
اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنِّي؛^۲
اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نمانده
باشد، خداوند آن روز را طولانی
خواهد کرد تا مردی از خاندان من را
برانگیزد.»

گفتنی است که این مضمون، در
روایات اهل سنت نیز آمده است.^۳

پاداش انتظار

بدیهی است که غیبت طولانی و
ظهور حتمی، نیازمند صبر و بردباری
و انتظار و آمادگی است. به همین
جهت، پیامبر اکرم ﷺ برای تسکین
درد انتظار و آلام دوران دوری از قطب
عالم امکان، پاداش بی حساب انتظار را

است. از مهم ترین نشانه های منتظر راستین در دیدگاه خاتم پیامبران ﷺ ثابت ماندن و استواری بر دین، و پایداری در صراط الهی است.

روزی پیامبر اکرم ﷺ به جمعی از اصحاب خود دو بار فرمود: «اللَّهُمَّ لَقِّنِي إِخْوَانِي؛ خداوندا ملاقات با برادرانم را به من عطا فرما.» اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا! مگر ما برادران شما نیستیم؟ حضرت فرمودند: نه، شما اصحاب من هستید، برادران من، مردمانی هستید در آخر الزمان که به من ایمان می آورند با اینکه مرا ندیده اند. خداوند آنها را با نام و اسم پدرانشان پیش از تولد به من معرفی نموده است.

در روایات اسلامی به این موضوع اشاره شده و ثابت ماندن شیعیان بر دینشان، از کشیدن دست بر درخت خاردار در شب تاریک دشوارتر

«يَا عَلِيُّ وَاعْلَمْ أَنَّ أَعْجَبَ النَّاسِ إِيمَانًا وَأَعْظَمَهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَحَجَبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةَ فَأَمَّنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ؛^۱ ای علی! بدان که شگفت انگیزترین مردم از جهت ایمان، و عظیم ترین آنها از روی یقین، مردمی اند که در آخر الزمان خواهند بود، پیامبر را ندیده اند و حجت (و امام) نیز از آنان محجوب است؛ اما به سیاهی که بر سفیدی رقم خورده است، ایمان آورده اند.»

روشن است که زمانی ایمان راستین و واقعی در منتظران به وجود خواهد آمد که شک و تردید و انکار را از خود دور نموده باشند. به همین جهت، پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «...فَايَاكَ وَالشُّكَّ؛^۲ مبدا در آن (غیبت قائم) شک و تردید به خود راه دهی.» و یا فرمود: «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وَوَلَدِي فَقَدْ أَنْكَرَنِي؛^۳ هر آن کس قائم از فرزندان مرا انکار کند، مرا انکار کرده است.»

۲. ثابت قدم ماندن بر دین

داشتن ایمان و دین، امر مهمی است و مهم تر از آن، حفظ و نگهداری آن در طول دوران و فتنه آخر الزمان

۱. همان، ص ۲۸۸، ح ۸.

۲. منتخب الاثر، ص ۱۸۸؛ منابع الموده، ص ۴۹؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۲، ح ۳۹.

از مهم‌ترین نشانه‌های منتظر راستین در دیدگاه خاتم پیامبران صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ثابت ماندن و استواری بر دین، و پایداری در صراط الهی است.

در فرازی دیگر منتظران راستین و زمینه‌سازان ظهور را دقیق‌تر مشخص نمود، می‌فرماید: «يَخْرُجُ نَاشِئًا مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْتُونَ لِمَهْدِي سُلْطَانَهُ»^۱ مردمی (احتمالاً ایرانیان) از شرق قیام می‌کنند و زمینه را برای حکومت مهدی آماده می‌کنند.»

ادامه دارد....

معرفی گردیده و یا از در دست نگهداشتن آتش چوب درخت غضا [که سخت و مقاوم است] مشکل‌تر دانسته شده است. آری، آنها چراغهای شب تارند، و خداوند آنان را از هر فتنه‌ای نجات می‌دهد.^۱

۳. دوستی با دوستان قائم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ مُقْتَدِرٌ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ، يَتَوَلَّى وَلِيَّهُ وَيَتَبَرَّأَ مِنْ عَدُوِّهِ، وَيَتَوَلَّى الْأَيْمَةَ الْهَادِيَةَ مِنْ قَبْلِهِ...»^۲ خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مراد رک کند، در حالی که قبل از قیامش به او اقتدا کرده، با دوستان او دوستی و از دشمنانش بی‌زاری جسته است و ائمه هدایتگر قبل از او را دوست می‌دارد.»

۴. فرمانبری و اطاعت

یاران امام به مولای خود عشق می‌ورزند و چون بنده‌ای گوش به فرمان از حضرت پیروی می‌کنند و در انجام دستورهای وی، بر یکدیگر پیشی می‌گیرند؛ چنان که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «كَرَّارُونَ مُجِدُّونَ فِي طَاعَتِهِ» [آنان] سلحشورانی کوشا در پیروی از اویند.»

۱. بصائر الدرجات، ب، ۱۴، ص ۸۴

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰، ح ۲۵؛ کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص ۴۵۶؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶.

۳. مستخب الاثر، ص ۳۰۴؛ صحیح ابن ماجه، ج ۲، ص ۲۷؛ کنز العمال، ح ۳۸۶۵۷؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۸.